

اعتراض "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" و پاسخ دولت آلمان

نامۀ دولت آلمان نشانگر سیاست فرصت طلبانه ای است که بسیاری از دولت های اروپایی، خصوصاً آلمان و فرانسه در سال های گذشته در مقابل رژیم جمهوری اسلامی ایران دنبال کرده اند.



شماره ۴۲۴، دوره هشتم
سال دهم، ۹ فروردین ۱۳۷۳

«تایم» از جنایات تروریستی رژیم در خارج از کشور پرده بر می دارد

نشریه "ایران امروز"، فصل نامه "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" در شماره ۱، ۹۴ مطالبی پیرامون روابط رژیم جمهوری اسلامی و دولت آلمان منتشر کرده است که حاوی نکات بسیار جالبی است. بر اساس گزارش این نشریه در پی ارسال نامه اعتراضی از سوی آقای نول هریس، دبیرکل این کمیته، پیرامون روابط دولت آلمان با رژیم، دیدار فلاحیان از ادامه در ص ۲

(تحلیلی از رویدادهای ایران در سالی که گذشت)

ایران بر سر دوراهی تحولات بزرگ

آش جنایات تروریستی رژیم در خارج از کشور این روزها چنان شور شده که «خان» را هم بالاخره به صدا در آورده است. هفته نامه «تایم»، ارکان جناح محافظه کار سرمایه داری آمریکا، که از زمان چرخش به راست حاکمیت در ایران پشتیبان اصلی آن بوده است، بالاخره مجبور شد به سکوت آگاهانه خود در مورد اقدامات تروریستی رژیم حاکم بر ایران پایان دهد و در شماره ۲۱ مارس ۱۹۹۴ خود، پرده از عملیات جنایتکارانه رژیم علیه مخالفان خود در خارج از کشور

برای نجات کشور از بن بست اقتصادی و ایجاد زمینه برای بازسازی کشور اعلام گردید. تک نرخی شدن برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی، قطع سوپسیدها، و برداشتن هرگونه محدودیتی در زمینه سرمایه گذاری های خارجی، در کنار آزاد سازی ورود کالاهای مصرفی، و فروش کارخانه های دولتی به بخش خصوصی عناصر عمده سیاست اقتصادی دولت رفسنجانی را برای بهبود وضع اقتصادی کشور تشکیل می دادند. سیاست هایی که هاشمی

میهن ما سال پر حادثه، مهم و در عین حال دشواری را پشت سر گذاشت. بررسی رویدادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سالی که گذشت، و تعیین مشخصه های عمده روند حرکت جامعه در سالی که پیش روی ماست، بی شک در این شرایط بسیار حساس و بحرانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

بحران اقتصادی - اجتماعی

سالی که گذشت یکی از بحرانی ترین و دشوار ترین سال های حیات رژیم جمهوری اسلامی، پس از مرگ خمینی، بود. بحران همه جانبه اجتماعی - اقتصادی، که محصول اعمال سیاست های ناصحیح و ضدملی رژیم است، حیات جامعه را به کلی فلج کرده و ایران را در آستانه یک انفجار بزرگ اجتماعی قرار داده است. برای درک ابعاد این بحران طرح برخی مشخصه های عمده اقتصادی و اجتماعی کنونی جامعه ما ضرور می باشد.

سال ۱۳۷۲، سال ارایه برنامه اقتصادی رژیم

به مناسبت سالگرد تاسیس سازمان جوانان توده ایران

بیش از نیم قرن پیکار خستگی ناپذیر

ص ۲

ادامه در ص ۶

ادامه در صفحات ۴ و ۵

برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس سراسری احزاب کمونیست و کارگری قاره آمریکا

به دعوت حزب سوسیالیست مردمی مکزیک (PPS)، کنفرانس سراسری احزاب کمونیست و کارگری قاره آمریکا در تاریخ ۱۰-۱۲ مارس ۱۹۹۴، در شهر مکزیکوسیتی، پایتخت مکزیک برگزار شد. در این کنفرانس نمایندگان ۱۵ حزب و سازمان کمونیستی و کارگری قاره آمریکا، شامل: حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا؛ حزب کمونیست کانادا؛ حزب کمونیست کبک (کانادا)؛ حزب کمونیست شیلی؛ حزب سوسیالیست مردمی مکزیک؛ حزب پیشاهنگ مردمی کستاریکا؛ حزب کمونیست هندوراس؛ حزب کمونیست پرو؛ حزب کار گواتمالا؛ حزب کمونیست کلمبیا؛ نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا - ارتش خلق؛ و حزب کمونیست جمهوری دومینیکن به نمایندگی از سوی «اتحاد انقلابی کمونیست های جمهوری دومینیکن» (شامل: حزب کمونیست جمهوری دومینیکن، حزب کارگران دومینیکن، نیروی مقاومت برای رهایی مردم دومینیکن و جنبش مردمی دومینیکن) شرکت داشتند. حزب کمونیست کوبا، با ارسال یک پیام، همبستگی خود را با این کنفرانس اعلام کرد.

ادامه در صفحات ۷ و ۸

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم «ولایت فقیه»!

به مناسبت
سالگرد
تاسیس
سازمان
جوانان توده
ایران

پیش از نیم قرن پیکار خستگی ناپذیر

روز اول فروردین سالگرد تاسیس سازمان جوانان توده ایران است. ۵۱ سال پیش، در اولین روز سال ۱۳۲۲، حزب توده ایران بر مبنای ضروریات عینی جامعه و بویژه فعالیت نیروهای فاشیستی جهت جلب حمایت نسل جوان در موضعگیری به حمایت از دول محور، به نیاز جوانان به یک سازمان انقلابی پیشتاز با تاسیس سازمان جوانان توده ایران پاسخ داد. مبارزه آگاهی بخش و سازمانگرا توده ای های جوان در ترفیع نقش نسل بالنده کشور در مبارزه برای آزادی و عقیم ساختن تلاش هایی که جهت انتشار تفکرات و سیاست های طرفداری از فاشیسم و برتری طلبی هیتلری صورت می گرفت، اهمیت اساسی داشت.

تشکیل سازمان جوانان توده ایران به عنوان اولین سازمان سیاسی و صنفی جوان میهنمان، تحولی عظیم در زندگی سیاسی و اجتماعی آنان پدید آورد. صفوف سازمان جوانان با مبارزاتی پر شد که معتقد بودند باید حق شرکت در اداره سیاسی جامعه و تأثیر گذاری بر آن بدان ها داده شود. نسل جوان توده ای با پیروی از خط مشی انسانی و رهنمود های تحول طلبانه و ترقیخواهانه حزب توده ایران، نقش ارزنده ای در تحول فکری جوانان ایرانی ایفا نمود. عنصر محوری فعالیت های حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران، تشکل مبارزات نسل جوان کشور و حرکت در جهت وحدت تمامی جریان های ترقیخواهانه جنبش جوانان بود که تحول کیفی ای را در مبارزات سیاسی در ایران بوجود آورد. اگر تا قبل از سال های ۲۰ مداخله در سیاست فقط امری مربوط به «سیاستمداران» حرفه ای بود به همت سازمان جوانان توده ایران بخش عمده ای از مردم و بویژه نسل جوان به مبارزه ای متشکل، وحدت جوانانه و همه گیر روی آوردند.

تاریخ ۵ دهه فعالیت جنبش توده ای در کشورمان به درستی اثبات کرده است که هرگاه امکان فعالیت آگاهی بخش و تشکل دهنده حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران فراهم بوده است، جوانان کشور ما در وسیع ترین صفوف در جنبش ترقی خواهانه شرکت نموده اند و درست به همین دلیل محافل حاکمه ارتجاعی در هیچ دوره ای تاب تحمل مبارزه آزادانه جنبش توده ای را نداشته اند.

رهبران رژیم جمهوری اسلامی همسان اسلاف تاجدارشان در اولین اقدامات ضد مردمی خود به عدول از آرمان های انقلاب ۵۷، آزادی ها و مظاهری را نشانه گرفتند که با زندگی و حیات اجتماعی نسل جوان ارتباط مستقیم داشت. «انقلاب فرهنگی» ارتجاعی رژیم که منجر به تعطیل دانشگاه ها و

تحصیل کرده و مستعد مجبور به مهاجرت سیاسی و اجتماعی شده باشند.

حقیقت این است که برنامه های رژیم در تحمیل خرافات، تشویق جنگ طلبی، سرکوب آزادیخواهی که اساسا متوجه ایجاد یک نسل جوان «حزب الهی» که بی هیچ سئوالی برنامه های رژیم را مورد تأیید قرار دهد، در همان اولین گامهای خود به شکستی مفتضحانه انجامیده است. سخنان خامنه ای، رهبر رژیم اسلامی، در آبان ماه گذشته در این باره که «دانشجویان امروز با سیاست فاصله دارند و دست هایی در تلاشند تا این قشر عظیم جامعه را از گرایش به مسایل سیاسی بر حذر داشته و محیط دانشگاه را با سیاست بیگانه کنند». و یا این که: «خدا لعنت کند دست هایی را که تلاش کردند و می کنند که قشر جوان و دانشگاه های ما را غیر سیاسی کنند» خود انعکاس حقیقت شکست رژیم در جلب نسل جوان بوده است. در همین رابطه بی مناسبت نیست اشاره کنیم که در دوران ستماهی هم در سمیناری در تیر ماه سال ۱۳۵۰ در «کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی» در رامسر دست اندرکاران رژیم به نتایج شبیه جمع بندی خامنه ای در قبال دانشجویان کشور رسیده بودند. آن ها نیز با وحشت از رشد گرایش های انقلابی و دموکراتیک در نسل جوان و دانشجویان دانشگاهها در کنفرانس خود که با حضور شاه انجام گرفت تصمیماتی را برای پرورش «هشیاری و بینش و درایت سیاسی و اجتماعی لازم» اتخاذ نمودند.

در رابطه با دوره کنونی، البته منظور خامنه ای از سیاسی بودن فقط دنباله روی از سیاست های رژیم حاکم می باشد و بس. وگرنه آنچه را که «رهبر» رژیم اسلامی بیگانگی با سیاست می نامد، اثبات آگاهی سیاسی دانشجویان و بطور کلی نسل جوان است که با درک ماهیت واقعی برنامه های رژیم، بطور فزاینده ای به تقابل با آن برخاسته است.

طی سال گذشته گزارشات متعددی از حرکت های اعتراضی که دانشجویان دانشگاهها و جوانان محروم و زحمتکش محور اصلی آنها بوده اند، منتشر شده است. دانشگاههای ایران در تاریخ معاصر کشور صحنه مبارزات شکوهمندی بوده اند و در حقیقت نقش میزان الحراره مطمئنی را برای تشخیص درجه تکامل و شدت تب مبارزات توده ای در سراسر جامعه ایفا کرده اند. اعتصابات و اعتراضات چند ماهه اخیر در دانشگاههای امیرکبیر، بهشتی، تهران، حتی واحدهای کوچکتر آموزش عالی در بابل و تبریز، نشانگر نارضایتی عمیق دانشجویان است. علت نارضایتی آنها اختلاف سلیقه و برداشت بر سر این سوره و یا آن سوره نیست، بلکه ریشه در عدم توجه دولت به خواست های صنفی دانشجویان و وضعیت عمومی و بحرانی کشور دارد.

سران رژیم با آنچه که ریشه در جوانی دارد، با شادی و سرور، با هنر بویا، با زندگی به معنای واقعی آن مخالفتند. در حقیقت آن ها به خوبی دریافته اند که سینمای آزاد، تأثیر مردمی، ورزش همه گیر و شادی و سرزنده بودن جوانان در تعارض با ریشه های میرنده، منجمد و قرون وسطایی باورهای حاکم دارد. جابر انصاری، فرمانده انتظامی منطقه شمال تهران اخیرا مجبور می شود که به آرایشگاههای مردانه در تهران دستور دهد تا در آرایش موی مردان «شونات

ممنوعیت عملی بحث و تبادل نظر سیاسی در جامعه و جلوگیری از انتشار نشریات ترقیخواه گردید، از مهمترین حربه های رهبران رژیم برای به شکست کشاندن جنبش توده ای بود که در مرکز آن نسل جوان قرار داشت.

باید اذعان داشت که اثرات فاجعه بار سیاست برتری تعهد بر تخصص و راندن هزاران متخصص و دانشمند جوان از صحنه دانشگاه ها و مراکز تخصص و پژوهش، بنیه فرهنگی- تکنولوژیک جامعه ما را برای مدت طولانی به تحلیل برده و خواهد برد. اگر در اوان انقلاب بهمن مردم کشور ما به حق به انتظار اتخاذ سیاستی مدیرانه در پر کردن فاصله عمیقی بودند که طی سده پیش بین ما و کشورهای پیشرفته جهان در برخورداری از دستاوردهای آموزشی، علمی و فنی بوجود آمده بود، پس از سلطه حکومت فقها، وضع وخیم تر گردید. برنامه های ضد آموزشی رژیم به گونه ای بوده است که عقب ماندگی فرهنگی- تکنولوژیک کشور را تشدید کرد. طبق آمارهای موجود در مقایسه با سال ۵۷، بودجه تخصیصی سرانه آموزشی کشور طی سال های اخیر ده ها برابر کاهش یافته است. کیفیت آموزش بسیار نازل است. البته استمرار و ادامه یک حکومت ارتجاعی و کهنه اندیش در گرو یک سیستم آموزشی عقب مانده، ایستا و دگماتیک می باشد.

رهبران جمهوری اسلامی ادامه حیات سیاسی خود را در تربیت نسلی سرخورده و منفعل، بیگانه با علم و اسیر اندیشه های خرافی و قرون وسطایی می بینند. ولی ابعاد بحران همه گیر جامعه، قانونمندی مبارزه علیه ظلم و ارتجاع و آگاهی جوانان از تاریخ با شکوه و غرور آفرین شرکت اسلافشان در مبارزات اجتماعی در کشور، امکانات رژیم را برای دیکته کردن خواست هایش محدود نموده است.

به موازات استقرار رژیم سرکوبگر اسلامی که نقض آزادی ها، محدودیت های آموزشی، نشر نظریات خرافی و ضد علمی و جلوگیری از انجام هرگونه پژوهش علمی را برای جوانان به ارمغان آورد؛ این بخش از جامعه بطور فزاینده ای از حاکمیت اسلامی فاصله گرفت. پیوستن ده ها هزار جوان و نوجوان به نیروهای سیاسی دگراندیش و روی آوردن به مقابله با رژیم از مشخصات این دوره است. بهترین و مستعدترین چهره های جوان کشور به دلیل مواضع ضد انسانی و سرکوبگرانه رژیم یا در درگیری های نابرابر به فجع ترین وجهی به قتل رسیدند و به زیر شکنجه رفتند و یا در جستجوی پناهگاهی مجبور به مهاجرت و جلائی وطن گردیدند. در هیچ دوره ای از تاریخ کشورمان، نمی توان پدیده ای مشابه دوره فعلی پیدا کرد که بیش از میلیونها ایرانی و اکثرا جوانان

اعتراض «کمیته حقوق ...»

آلمان و فعالیت های ماموران و تروریست های جمهوری اسلامی در این کشور به سفارت آلمان در انگلستان آقای ژوزف وینز، منشی اول سفارت آلمان به نمایندگی از سوی دولت آلمان نامه مفصلی در پاسخ به این اعتراض ارسال داشته است، که بخش هایی از آن به قرار زیر است.

آقای هریس عزیز

... سیاست دولت فدرال آلمان درباره ایران بر

اساس تصمیم گیری شورای کشورهای همیاری اروپا (دسامبر ۱۹۹۲) تنظیم گردیده است و در چارچوب "دیالوگ همراه با انتقاد" عمل می کند. دولت آلمان همواره نگرانی شدید خود را پیرامون مسئله حقوق بشر در ایران با دولت این کشور مطرح کرده است. برای نمونه می توان به اعتراض ما پیرامون سرکوب بهائیان در ایران اشاره کرد. در ۹ دسامبر وزیر امور خارجه، کینکل، برای دومین بار با سلمان رشدی دیدار کرد تا به او توضیح دهد که دولت آلمان درگیر یک دیالوگ انتقادی برای بهبود درک و پذیرفتن حقوق بشر از سوی دولت ایران است. دولت آلمان تلاش می کند تا به دولت ایران قبولاند که باید در چارچوب های بین المللی حقوق بشر عمل کند. دولت آلمان مرتباً از دولت ایران خواسته است که به مسئله فتوا علیه سلمان رشدی خاتمه دهد. پیرامون سفر فلاحیان، وزیر اطلاعات، دولت آلمان مایل است بار دیگر این نکته را تکرار کند که هدف این دیدار تنها بحث و طرح برخی مسایل انسانی بوده است. شما حتماً مطلعید که نخست وزیر اسرائیل، اسحاق رابین نیز علناً تأکید کرد که در این دیدار مسایلی از این دست از سوی دولت آلمان طرح گردید. گزارش روزنامه ها پیرامون تبادل سایر اطلاعات هیچ زمینه عینی ندارد. اجازه دهید تا به شما یادآوری کنم که دولت آلمان تنها دولت اروپای غربی است که اقدام به محاکمه ماموران ایرانی کرده است و اقدام های قانونی برای مجازات عاملان قتل اعضای اپوزیسیون دولت ایران در برلین (۱۹۹۲) هم اکنون در جریان است.

بیش از نیم قرن پیکار ...

اسلامی» را رعایت کنند و از آرایش مشتریان به دلخواه آنان جدا خودداری کنند، حال رعایت این «شئون» در آرایش موی مردان که چگونه و بر پایه کدام ذوق و سلیقه تعیین می شود، لابد از حقوق و وظایف ویژه ماموران امر به معروف و نهی از منکر می باشد و در عین حال از معضلات دولتی رژیم جمهوری اسلامی ایران است.

تمامی فاکت ها براین دلالت دارند که بحران عمومی رژیم عمیق تر شده و عناد و سرسختی آن در مقابل آزادی، ترقی و پیشرفت ادامه خواهد یافت. ما براین باوریم که بدون مبارزه ای موثر، همه جانبه و سازمان یافته نمی توان به سلطه «ولایت فقیه» و به استقرار دموکراسی دست یافت. بدلیل شرایط ویژه کشور، جوانان ایران بطور عام و دانشجویان دانشگاه ها وظایف ویژه ای در این مرحله دارند. آن ها هم برای دفاع از حقوق صنفی- سیاسی خود و هم برای تأمین

... ایزوله کردن ایران از نظر بین المللی نه تنها ما را از نفوذ خودمان در این کشور محروم می کند، بلکه به احتمال زیاد به تقویت مواضع عناصر "تندرو" و "بنیادگرا" در این کشور کمک خواهد کرد. ... وزیر کشور آلمان تأکید کرد، که از جمله "مسایل انسانی" مورد بحث در گفتگوهای میان نمایندگان دولت آلمان و فلاحیان، خواست دولت ایران پیرامون متوقف کردن محاکمه و آزاد سازی تروریست های جمهوری اسلامی، که رهبران خلق گرد را در برلین به قتل رساندند، بوده است.

تأکید کرد، که از جمله "مسایل انسانی" مورد بحث در گفتگوهای میان نمایندگان دولت آلمان و فلاحیان، خواست دولت ایران پیرامون متوقف کردن محاکمه و آزاد سازی تروریست های جمهوری اسلامی، که رهبران خلق گرد را در برلین به قتل رساندند، بوده است.

آنچه که از محتوای این نامه و سایر عملکردهای دول اروپای غربی در رابطه با رژیم جمهوری اسلامی مشخص می گردد، این موضوع عمده است که برای این کشورها، در درجه اول اهداف کوتاه مدت اقتصادی - سیاسی بر همه مسایل دیگر اولویت می یابد. تجربه آزاد سازی متهمان قتل شاپور بختیار از سوی دولت فرانسه نشان داد که در صورتیکه فشار مشخص و وسیع بین المللی بر روی دول اروپایی نباشد، مسئله طرح سرکوب حقوق بشر و مشروط کردن روابط اقتصادی به بهبود وضع حقوق بشر (همانگونه که این دولت ها در سال های نه چندان دور در مقابل کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی اعمال می کردند) جایی در سیاست روزمره این دولت ها ندارد. تجربه های اخیر نشان داده است که تنها با تجهیز افکار عمومی این کشورها و افشای جنایات دهشتناک رژیم جمهوری اسلامی علیه شهروندان میهنمان است که می توان دول این کشورها را برای تغییر سیاست زیر فشار قرار داد.

دولت آلمان روابط عادی تجاری با ایران دارد. دولت آلمان براین باور است که صادرات به ایران تا انتهای سال ۹۳ به میزان ۵۰٪ کاهش خواهد یافت، و صادرات اجناس حساس به ایران ممنوع گردیده است.

برای ما قابل قبول نیست که بپذیریم این روابط تجاری اثر منفی بر روی عملکرد و رفتار رژیم با مخالفان سیاسی در ایران دارد. روابط اقتصادی می تواند به مثابه یک اهرم موثر برای اعمال نفوذ، نه تنها برای بهبود وضعیت حقوق بشر، بلکه برای تغییر رفتار و اعمال بین المللی ایران به کار گرفته شود. ایزوله کردن ایران از نظر بین المللی نه تنها ما را از نفوذ خودمان در این کشور محروم می کند، بلکه به احتمال زیاد به تقویت مواضع عناصر "تندرو" و "بنیادگرا" در این کشور کمک خواهد کرد.

نامه دولت آلمان نشانگر سیاست فرصت طلبانه ای است که بسیاری از دولت های اروپایی، خصوصاً آلمان و فرانسه در سال های گذشته در مقابل رژیم جمهوری اسلامی دنبال کرده اند. نکته دیگری که در نامه جلب توجه می کند، اشاره غیر مستقیم نماینده دولت آلمان به سرد شدن روابط اقتصادی میان دو کشور و احیاناً ادامه و تشدید فشارهای این کشور و سایر کشورهای اروپایی بر روی رژیم جمهوری اسلامی است. بر اساس گزارش های انتشار یافته در رسانه های گروهی آلمان در هفته های اخیر وزیر کشور آلمان

ارتباطی منطقی، زنده و فعال و اثر بخش با جنبش مردمی- نیاز مبرم به سازماندهی مناسب در دانشگاه ها دارند. این تشکل های دانشجویی که می توانند با متحد کردن توده وسیع دانشجویان بر حول محور خواسته های صنفی- دموکراتیک خود، عملاً حزب الله را از هر جهت منزوی کنند، با اتخاذ تصمیم ها و شعارهای مناسب، قادر خواهند بود که با افشای سیاست های رژیم در قبال مسایل علمی و اجتماعی- سیاسی، به مثابه پرچم افراشته جنبش مردمی برای استقرار

دموکراسی در کشور عمل نمایند. در این راستا، در ۵۱ - مین سالگرد تاسیس سازمان جوانان توده ایران، ما بار دیگر نیروهای سیاسی طرفدار دموکراسی را فرامی خوانیم که برای یک برنامه ریزی مشترک در دفاع از حقوق جوانان کشور، اقدامی متحد را سازمان دهند. ما به نوبه خود آمادگی برای هرگونه تشریک مساعی را از قبل اعلام می کنیم.

*** **

تصحیح و پوزش

در شماره ۴۲۳ «نامه مردم»، صفحه ۳، عنوان خبر «اعتصاب عمومی ...» بجای عنوان خبر «تظاهرات اعتراضی مردم در چهار راه کلوبندک» آمده است که با پوزش از خوانندگان «نامه مردم» تصحیح می شود.

ایران بر سر دو ...

رفسنجانی به هنگام ارائه بودجه سال ۱۳۷۲ از آنها به عنوان تصمیم های سرنوشته ساز در آینده مملکت نام برد. ما در همان هنگام ضمن افشای دروغ پردازی های رئیس جمهور رژیم نوشتیم: "... به عبارت دیگر ارقام منعکس شده در بودجه سال آینده به علت تفاوت محاسبات در نرخ برابری ارز، تقریباً معادل ۶۰٪ رشد کاذب داشته اند. رفسنجانی خوب می داند که بودجه ارایه شده، که بیشتر به شیبه بازی با ارقام شبیه است تا واقعیات سخت اقتصادی چه تأثیرات مخربی بر پیکر اقتصاد بیمار کشور، خصوصاً بخش تولیدی برجای خواهد گذاشت..."

(«نامه مردم» شماره ۳۹۴، بهمن ۱۳۷۱)

حتی سران رژیم جمهوری اسلامی نیز در سخنان اخیر خود پنهان نمی کنند که ارقام بودجه سال های اخیر بر ارقام کاملاً غیر واقعی استوار بوده است. حسینی شاهرودی، رئیس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی مجلس در مصاحبه ای که اخیراً با روزنامه «سلام» انجام داده است به روشنی به این حقیقت اعتراف می کند که: "ارقام بودجه جاری غیر واقعی است. مجلس البته یک رقمی را کم کرد ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلیارد ولی با کم کردن همین مقدار مشکلات زیادی برایش فراهم شد... الان با اینکه ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلیارد کاهش بودجه وجود دارد، بازهم درآمدها واقعی نیست، بودجه واقعی نیست، کسر بودجه خواهیم داشت و جبران کسری بودجه یا از راه عدم تخصیص است و یا از راه های غیر معمول دیگری که همگی در تورم تأثیر دارند..."

(روزنامه «سلام» ۱۱، اسفند ۱۳۷۲ -

تاکید از ماست)

اگر بخواهیم دستاوردهای دولت رفسنجانی را طی برنامه پنجساله اول برشماریم، می توانیم آنرا در چارچوب: فروش نفت برای تأمین هزینه ورود میلیارد ها دلار کالای مصرفی، کاهش تولید ناخالص داخلی تا حدود ۵۰٪، سقوط بهره دهی نیروی انسانی تا همین حدود، افزایش بیکاری تا آنجائیکه ۴۷٪ نیروی کار کشور را شامل می شود، سقوط جمع شاغلین در کارهای تولیدی به کمتر از ۶٪ کل جمعیت، و تورم که از مرز ۳۰٪ فراتر رفته است - و به عقیده برخی کارشناسان اقتصادی کشور می تواند در پایان سال جاری تا ۱۸۰٪ افزایش یابد - خلاصه کنیم.

(نگاه کنید به مقاله اقتصاد ایران، بحران ها و

چشم اندازها از دکتر حسین عظیمی)

حتی بر اساس اعتراف مقاله نویسی

«کیهان هوایی» (۲۵ اسفند ۱۳۷۲) بخش تولیدی کشور قربانی عمده سیاست های دولت

رفسنجانی بوده است. مقاله نویسی «کیهان» می نویسد: "... بر طبق برنامه پنج ساله اول صنایع سرمایه ای می بایستی ۲۴٪ رشد داشته باشند، در حالیکه رشد این بخش تنها ۵/۹٪ بوده است و در مقابل صنایع مصرفی که رشدی معادل ۴/۲٪ برای آنها در نظر گرفته شده بود، ۲۸/۸٪ رشد کرده اند..."

بحران اقتصادی دولت آنچنان ابعادی به خود گرفته است، که سیاست تک نرخی شدن ارز تنها پس از ۹ ماه از شروع اجرای آن با شکست کامل به کنار گذاشته شد، و نرخ برابری ریال در مقابل دلار از ۱۷۵۰ نرخ اعلام شده توسط بانک مرکزی تا حد ۲۵۸۰ ریال صعود کرد. و به قول حسینی شاهرودی: در حال حاضر بانک مرکزی هیچگونه دخالتی در تعیین نرخ ارز ندارد و برای دلاری که توزیع نمی کند نرخ تعیین می کند. بر اساس اعتراف سردمداران رژیم شکست سیاست برابری ارزی در ماه های اخیر میلیون ها دلار به خزانه دولتی لطمه وارد کرده است و دلال های بازار ارز توانسته اند از این طریق میلیون ها دلار به جیب بزنند. علینقی خاموشی، نماینده مجلس در این زمینه اعتراف جالبی دارد. وی در زمینه تلاش های بانک مرکزی برای کنترل نرخ ارز از جمله می گوید: "تصمیم ناپخته و عجولانه بود و آن این بود که برای مبارزه با قیمت ارز با ایجاد تعادل در بازار ارز، سیستم تزریق ارز به بازار از طریق شبکه بانکی و صراف ها ایجاد شد... اما باز روز به روز به علت بالا بردن توان خرید و موجود بودن و اضافه شدن تقاضا در کشور، میزان تزریق بالا رفت و تا ۷۰ میلیون دلار در هفته رسید. ارزهایی که اکثراً به هدر رفت..."

(روزنامه «سلام» ۱۱، اسفند ۱۳۷۲)

واقعیت این است که افزون بر بدهی ۳۰ میلیارد دلاری ایران به کشورها و بانک های بین المللی، در پنج سال گذشته به دلیل اعمال سیاست های کاملاً غلط و مخرب اقتصادی، کشور ما نه تنها نتوانسته است در زمینه بازسازی اقتصادی کوچکترین راهگشایی انجام دهد، بلکه با گذشت زمان و تعمیق ابعاد بحران، هرچه بیشتر بر بدهی ها و کمبودهای ارزی ایران افزوده شده است تا حدی که دولت جمهوری اسلامی اکنون شدیداً در تلاش به تعویق انداختن باز پرداخت بدهی ها و تعهدات مالی خود به کشورها و بانک جهانی است. سقوط نرخ ریال در مقابل سایر ارزهای خارجی نه تنها بخش تولیدی کشور را که عمدتاً محتاج مواد اولیه از خارج است فلج کرده، بلکه با رشد سریع و تصاعدی قیمت ها نرخ تورم بیش از پیش افزایش یافته است و فشار اقتصادی بر میلیونها شهروند میهن ما دوچندان گردیده است.

سخنان دری نجف آبادی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در تشریح ابعاد این بحران بسیار جالب و افشا کننده است. او می گوید: "در زمینه مسایل ارزی نیز ۱۲۰ میلیارد دلار به

عنوان درآمد ارزی در طول ۵ سال ۷۲ - ۶۸ پیش بینی شد به این ترتیب که ۸۳ میلیارد دلار در آمد حاصله از فروش نفت، تقریباً ۱۷/۸ میلیارد درآمد صادرات غیر نفتی، ۱۲ میلیارد دلار هم تحت عنوان فاینانس، قراردادهای دوطرفه و غیره و حدود ۷/۲ میلیارد دلار هم به این عنوان که از حساب ذخیره و خدمات و سایر دریافت های ارزی برداریم. البته ۱۰ میلیارد هم جداگانه به عنوان "بای بک" در نظر گرفته شده بود..." («کیهان هوایی» ۲۵، اسفند ۱۳۷۲). نجف آبادی در ادامه پرده از ابعاد واقعی بدهی ها، اشتباه حساب ها و در واقع فریب کاری سران جمهوری اسلامی و دروغگویی های شخص هاشمی رفسنجانی که پیشرفت های اقتصادی ایران را معجزه آسا و بودجه ۷۲ را تنها بودجه کشور بدون اتکا به استقراض اعلام کرد، بر می دارد. نجف آبادی از جمله می گوید: "ولی این رقم ها خیلی خوش بینانه بود. مثلاً در مورد پیش بینی ۸۳ میلیارد درآمد نفتی ممکن است تا پایان برنامه که آخر سال ۱۳۷۲ باشد، حدود ۷۵ میلیارد آن تحقق پیدا کند. در زمینه صادرات غیر نفتی نیز تا پایان سال ۷۲ حداکثر ۱۱ میلیارد آن حاصل می شود، و گذشته از این باید گفت یک اشتباه در برنامه اول این بود که درآمد صادرات غیر نفتی را جز منابع درآمد پیش بینی و طبعاً در مقابل آن هزینه هایی در نظر گرفته شده است، در حالیکه درآمدهای غیر نفتی اصلاً ارتباطی با درآمد خزانه دولت ندارد... در مورد "بای بک" ... حتی ۱ دلار هم از آن ۱۰ میلیارد دلار در نظر گرفته شده عمل نشده است..." (همانجا).

بدیهی است که چنین سیاست های مخرب اقتصادی تأثیرات عمیقی را بر حیات اجتماعی کشور برجای گذارد. تشدید فشار توان فرسای اقتصادی از طریق صعود نجومی قیمت ها و رشد تورم لجام گسیخته در مقابل کاهش درآمد واقعی مردم به تشدید و گسترش فقر و محرومیت هرچه بیشتر در جامعه منجر گردیده است و هم اکنون میلیون ها خانواده ایرانی در شرایط بسیار فرسای زیر خط فقر در تلاش برای زنده ماندن هستند. کمبود مسکن، فاجعه بهداشت و درمان که در نبود امکانات حداقل پزشکی، کمبود پزشک، کمبود بیمارستان و نبود دارو در سراسر کشور تبلور یافته است، بیکاری میلیون ها انسان از یک سو و نبود یک سیستم فراگیر تأمین اجتماعی، بی قانونی، نبود امنیت قضایی، تعدی و زورگویی ارگانهای فاسد دولتی، و رشد بی سابقه اعتیاد و فساد در مجموع شرایط طاقت فرسایی را برای اکثریت مردم کشور ما ایجاد کرده است. در چنین زمینه اجتماعی - اقتصادی است که ما در سال گذشته شاهد رشد و اوجگیری اعتراضات مردمی علیه رژیم استبدادی "ولایت فقیه" بوده و هستیم.

اکثریت نیروهای آزادیخواه و مترقی کشور ماست و از این رو می تواند به مثابه کارپایه ای برای حرکت به جلو و درهم شکستن سد اختلافات کنونی مورد بحث و بررسی نیروهای مختلف قرار گیرد. ما همانطوریکه در "منشور آزادی" قید کرده ایم، عمیقاً معتقدیم که تامین حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خود، تامین بدون قید و شرط آزادی ها و حقوق دموکراتیک از جمله پیش شرط های عمده رها شدن از بندهای کهنه استبداد و ایجاد امکان بازسازی ایرانی آزاد و آباد است.

آنچه که از ارزیابی رویدادهای ایران در سال گذشته می توان نتیجه گرفت این است که کشور ما شرایط بسیار حساس و تعیین کننده ای را از سر می گذراند. بررسی علمی شرایط موجود در جامعه نشانگر وجود شرایط عینی جدی برای تغییرات بزرگ است. ماهیت اقتصادی - اجتماعی بحران کنونی و از آنجائیکه ابعاد آنها همه عرصه های زندگی مردم کشور ما را در بر می گیرد، شرایط تاریخی ویژه ای را با شباهت زیاد به دوران پیش از انقلاب در کشور ما ایجاد کرده است. آنچه که به مثابه عامل ترمز کننده و ضعیف در این معادله عمل می کند، عامل ذهنی یعنی سطح سازمان یافتگی توده های جان به لب رسیده است. نقش و وظیفه نیروهای سیاسی آزادیخواه کشور در این عرصه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اگر این نیروها بتوانند با چیره شدن بر پیشداوری ها و اختلافات موجود یک ائتلاف وسیع سیاسی برای آزادی و دموکراسی ایجاد کنند، آنوقت می توان به حوادث آینده خوشبین بود، در غیر این صورت آینده مبهم و خطرناکی در پیش روی ماست. در صورتیکه رژیم در بحران عمیق اقتصادی کنونی غرق و سرنگون گردد، در نبود یک آلترناتیو وسیع و دموکراتیک کشور ما می تواند دستخوش حوادث ناگوار، روی کار آمدن رژیم های دیکتاتوری در اشکال متفاوت دیگر و حتی برخوردهای قومی - ملی و جنگ های داخلی گردد. آنچه مسلم است این شرایط منحصر به فرد تاریخی وظایف خطیری در برابر میهن دوستان و آزادیخواهان کشورمان قرار داده است که اهم آن اتحاد به خاطر رهایی میهن دربندمان از چنگال ارتجاع مذهبی حاکم است. بار دیگر ایران بر سر دو راهی سرنوشت ساز قرار گرفته است. درس بزرگ انقلاب بهمن ۵۷ ما را به اتحاد عمل در مقابل نیروی جهمی تاریک اندیشی و استبداد قرون وسطایی فرا می خواند.

محافظه کار قشری و کلان سرمایه داری تجاری ایران - مصمم است تا سیاست های دولت جمهوری اسلامی را بر اساس نظرات و تصمیم های خود تنظیم و اجرا کند. این جناح که اکثر رهبران آن همان وابستگان به انجمن حجتیه می باشند، نیروی غالب و تعیین کننده در توازن نیروهای درون حاکمیت جمهوری اسلامی است. فشار شدید این جناح در تقسیم پست های کابینه و برکنار کردن برادر رفسنجانی از مقام حساس و کلیدی صدا و سیما، جمهوری اسلامی، در کنار ایجاد تغییرات وسیع در طرح بودجه ارائه شده از سوی دولت در مجلس شورای اسلامی که در کنترل جناح رسالت است، نمونه های مشخصی از عملکرد این گروه در سال گذشته می باشد. در عرصه های اجتماعی نیز تشدید فشار بر زنان، بر روزنامه های غیر دولتی و از جمله دستگیری و محاکمه سردبیر روزنامه «سلام» و اعمال سیاست های قشری و ضد انسانی "امر به معروف و نهی از منکر" نیز تبلور اعمال سیاست های انجمن حجتیه و شکست سیاست "رفرم" و انجام برخی "اصلاحات" سطحی لیبرالی از سوی رفسنجانی و طرفداران او در دولت بود. تحولات سال گذشته در عین حال نشان داد توهماتی که در میان بخش هایی از اقشار مرفه و نیم مرفه و در مجموع اقشار میانی جامعه پیرامون تمایل و یا امکان هاشمی رفسنجانی به ایجاد تغییر و "اصلاحات" در جامعه، کاملاً پایان یافته است. این برخورد و ارزیابی از مرزهای ایران فراتر رفته و حتی بسیاری کشورهای غربی را که در این زمینه امیدواری های زیادی داشتند، نیز دربر گرفت. نکته مهم دیگری که در سال گذشته در ابعاد گوناگونی خود را بروز داد، جدا شدن هرچه بیشتر بخش های زیادی از نیروهای مذهبی معتقد به "انقلاب اسلامی" از بدنه و پیرامون حاکمیت بود. اگرچه بخش عمده ای از این نیروها هنوز در تقابل و تعارض جدی با رژیم قرار نگرفته اند، ولی در آینده ای نه چندان دور، مانند دست اندرکاران روزنامه «سلام» ناچارند یا در مقابل ارتجاع تسلیم گردند و یا کارشان به رویارویی بکشد.

در سال گذشته ما همچنین شاهد تحولات گوناگونی در میان نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی بودیم. تشدید فعالیت نیروهای ملی گرا در درون کشور، و گسترش تلاش ها برای رسیدن به یک ائتلاف وسیع و فراگیر از سوی دیگر از جمله نکات مثبت رویدادهای سال گذشته است. کمیته مرکزی حزب ما نیز در چارچوب چنین تلاش هایی بود که در آذرماه سال جاری "منشور آزادی" را به مثابه کارپایه ای برای بحث و گفتگوی نیروهای مختلف برای رسیدن به یک ائتلاف وسیع انتشار داد و سایر نیروها را به همکاری در این عرصه فراخواند.

به گمان ما، "منشور آزادی" دربرگیرنده وسیع ترین و دموکراتیک ترین خواست های

اعتراض وسیع مردم بلوچستان، اعتراضات دانشجویان دانشگاهها و موسسه های مختلف آموزشی، اعتراضات مردم به گرانی و قطع سوبسیدها، اعتراض کارگران به سقوط درآمدها و بی توجهی دولت به نیازهای آنان گوشه هایی از اوچگیری جنبشی است که در بطن جامعه ما در حال نیرو گرفتن است. سران رژیم در سخنرانی های متعددی که در ماههای اخیر انجام دادند، این حقیقت را پنهان نکردند، که با تشدید شدید بحران اقتصادی، آنان بشدت نگران انفجارهای اجتماعی هستند و حاضرند برای حفظ حکومت جمهوری اسلامی به هر ترفند، جنایت و سرکوبی نیز دست بزنند. ایجاد انواع و اقسام ارگان های سرکوبگر و تخصیص یک نیروی ۳۰۰ هزار نفری برای تامین "امنیت" شهرهای کشور تنها به قصد مقابله با طوفان خشمی است که در راه است.

بحران سیاسی حاکمیت و نیروهای اپوزیسیون

سالی که گذشت، در عین حال نشانگر تمیق بحران سیاسی در درون و پیرامون حاکمیت جمهوری اسلامی بود. ما در سال ۷۲ شاهد برگزاری "انتخابات" ریاست جمهوری در کشورمان بودیم. رژیم نگران از شکست در این نمایش شرکت هرگونه کاندیدای مخالفی را ممنوع اعلام کرده و از ۱۲۸ کاندیدا، تنها اجازه شرکت به ۴ نفر از سران و وابستگان رژیم را داد. تحریم وسیع "انتخابات" از سوی همه نیروهای مترقی و آزادیخواه کشورمان پاسخ مثبت اکثریت توده های وسیع مردم که از آزار، اذیت و ظلم سران جمهوری اسلامی به جان آمده بودند، به این فراخوان، پیروزی بزرگی برای مردم میهنمان محسوب می شود. بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی و کاندیداهای رسمی آن در "انتخاباتی" که شدیداً زیر کنترل ارگان های سرکوبگر قرار داشت نیز نتوانست اکثریت آرا را بدست آورد. حتی براساس آمارهای رسمی وزارت کشور بیش از ۱۳ میلیون نفر از واجدین شرایط، یعنی بیش از ۴۴٪ از کل رای دهندگان از شرکت در انتخابات خودداری کردند و هاشمی رفسنجانی تنها با ۱۰ میلیون رای یعنی ۳۶٪ آرا به مقام ریاست جمهوری "انتخاب" شد. این نمایش انتخاباتی چرخش قاطعی در برخورد مردم با نمایش های تبلیغاتی رژیم و شکست بزرگی برای مجموعه حاکمیت خصوصاً شخص هاشمی رفسنجانی بود. از سوی دیگر شرکت احمد توکلی به مثابه کاندیدای نیمه جدی جناح رسالت و جلب بیش از ۴ میلیون رای نشانگر پایان یافتن ماه غسل میان جناح رسالت و طرفداران رفسنجانی بود. و روشن گردید که جناح رسالت - یعنی جناح روحانیون

«تایم» از جنایات تروریستی...

بردارد.

این مقاله، که به شکلی استثنایی ۶ صفحه از نشریه را به خود اختصاص داده است، ضمن توضیح چگونگی قتل ۴ نفر از قربانیان اصلی ترورهای رژیم - دکتر شاپور بختیار، دکتر کاظم رجوی، دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی - می نویسد: «تحقیقات به عمل آمده انبوه بیسابقه ای از اسناد و مدارک دال بر دست داشتن مقامات دولت ایران در قتل مخالفان سیاسی خود در خارج از کشور به دست داده است». این مجله، پس از تاکید بر این نکته که «از سال ۱۹۷۹ تا کنون بیش از ۶۰ تن از مخالفان سیاسی رژیم در خارج از کشور به قتل رسیده اند»، به نقل از گزارش محرمانه ۱۷۷ صفحه ای دادستان فرانسوی در رابطه با قتل دکتر شاپور بختیار می نویسد: «تردیدی نیست که سازمان های امنیتی ایران به طور موثر در اجرای این توطئه جنایتکارانه دست داشته اند». «تایم» سپس از قول یک مقام مطلع فرانسوی می گوید: «برای اولین بار است که ما توانسته ایم اینهمه سند و مدرک محکوم کننده در رابطه با دست داشتن یک دولت در عملیاتی با چنین ابعاد مهم به دست آوریم».

ارکستر شوم ترور

یکی از جنبه های مهم مقاله «تایم»، پرده برداشتن از شرکت مستقیم بالاترین مقامات و نهاد های رژیم حاکم در ایران، از جمله نزدیکان شخص رفسنجانی، در این عملیات تروریستی است. بنا به گزارش «تایم»، «شخصی که مستقیماً مسئولیت جوخه های ترور را بر عهده دارد، علی فلاحیان، وزیر اطلاعات، است ... [که] مخالفان از او به نام «قاضی مرگ» یاد می کنند... به عنوان بالاترین مقام امنیتی کشور، او مسئولیت سازماندهی عملیات سری در خارج از کشور را برعهده دارد. بر اساس گزارش ۶ اکتبر ۱۹۹۳ مقامات جنایی آلمان فدرال، از زمان وزیر شدن او در سال ۱۹۸۸ تا کنون بیش از ۲۴ نفر از شخصیت های مخالف رژیم در خارج از کشور به قتل رسیده اند».

در بخش دیگر مقاله «تایم» گفته می شود که «محققان همچنین مدارکی به دست آورده اند که وزارت خارجه، وزارت پست، تلگراف و تلفن، وزارت ارشاد اسلامی و تلویزیون دولتی ایران را به این عملیات مربوط می سازند». به عنوان نمونه، طبق گزارش «تایم»، حکم مأموریت زین العابدین سرحدی، یکی از متهمان شرکت در ترور شاپور بختیار، که در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۹۱ (درست چند روز پس از اجرای عملیات ترور) به عنوان «مأمور بایگانی در سفارت ایران» به سویس وارد شده و وظیفه واقعی او خارج کردن قاتلان بختیار از مرز سویس بوده

است، مستقیماً از سوی دفتر علی اکبر ولایتی، وزیر خارجه رژیم و با امضای «از سوی وزیر خارجه» صادر شده است. همچنین، ویزای ورود به فرانسه برای «علی وکیلی راد» و «محمد آزادی» - قاتلان بختیار - توسط «مسعود هندی»، برادرزاده خمینی و مسئول سابق تلویزیون ایران در فرانسه، به عنوان «میهمانان» یک شرکت خصوصی فرانسوی به نام «سیفاکس» صادر شده است. «هندی» در بازجویی های پس از دستگیری در سپتامبر ۹۱، اقرار کرده است که وی این کار را «به درخواست حسین شیخ عطار، دستیار عالی غرضی، وزیر پست، تلگراف و تلفن انجام داده است».

طبق گزارش «تایم»، «مأموران اطلاعات و امنیت ایران» برای عملیات تروریستی خود، «از دفتر مرکزی شبکه تلویزیون دولتی ایران به عنوان پوشش ارتباطی استفاده می کنند».

برجسته ترین نمونه عملکرد این ارکستر شوم ترور، ارتباط مستقیم متهمان به قتل دکتر کاظم رجوی با نهادهای دولتی و امنیتی رژیم است. «تایم» در این مورد می نویسد: «پس از مقایسه لیست نام مسافران [پرواز هوایمایی ایران] با لیست مسافران هتل و آرشیو پلیس، محققان که نام ۱۳ نفر را حدس زده می شد در این توطئه شرکت داشته اند، پیدا کردند. همه آنها از طریق سویس و با استفاده از پاسپورت های دولتی که همه در یک تاریخ در تهران صادر شده به کشور وارد شده بودند. اغلب آنها آدرس شخصی خود را خیابان کریم خان، شماره ۴۰، که معلوم شده یک ساختمان متعلق به وزارت اطلاعات است، نوشته بودند. همه آنها با یک پرواز شرکت هوایمایی ایران و با بلیط هایی که در یک تاریخ و با شماره های پشت سر هم صادر شده بودند به خارج مسافرت کرده بودند...».

مقاله «تایم» در مورد چگونگی سازماندهی عملیات ترور توسط دولت ایران به این نتیجه می رسد که: «تصمیم در مورد ترور مخالفان در داخل یا خارج از کشور در بالاترین سطح دولت ایران، یعنی در شورای عالی امنیت ملی، اتخاذ می شود. این شورا، که عالیترین مرجع تصمیم گیری در دولت ایران است، به ریاست شخص رفسنجانی و با شرکت از جمله فلاحیان، ولایتی و خامنه ای، که از سال ۱۹۸۹ بجای خمینی به مقام رهبری رسیده است، تشکیل می شود. حسن روحانی، دبیر شورا که معاون پارلمان نیز هست، اخیراً در روزنامه «اطلاعات» قسم یاد کرده است

که: ایران برای نابود کردن فعالیت های ضد انقلابیون در خارج از کشور لحظه ای درنگ نخواهد کرد». مقاله «تایم» سپس ادامه می دهد: «مقامات امنیتی غرب معتقدند که ترورهای خارج از کشور توسط شاخه ویژه ای از سپاه پاسداران، که به نیروی قدس معروف است و مسئولیت آنرا سرتیپ احمد وحیدی بر عهده دارد، انجام می گیرد. وزارت خارجه معمولاً برای این عملیات پوشش دیپلماتیک، و پشتیبانی مادی و لجستیک تامین می کند. گفته می شود نیروی قدس، که مقرر فرماندهی آن در تهران است، از پایگاههایی مانند پایگاه امام علی در شمال تهران برای تعلیم تروریست های ایرانی و خارجی استفاده می کند... مهمت علی بیلچی، یک بنیادگرای افراطی ترکیه، در یک اقرار تلویزیونی که در سال ۱۹۹۴ ضبط شده، آموزش های تروریستی خود را در پایگاهی در نزدیکی قم توضیح داده است. او می گوید که تعلیم گیرندگان، ابتدا آموزش های اولیه نظامی می گیرند و سپس در کلاسهای مربوط به فتون امنیتی، ارتباطات سری، مواد منفجره و عملیات مخفی شرکت می کنند. وی می گوید که از مقامات ایرانی برای اجرای عملیات نظامی در خاک ترکیه دستورهای صریح دریافت کرده است. بیلچی اعتراف کرده که مسئولیت دزدیدن دو نفر از مخالفان رژیم ایران در ترکیه را، که بعداً به مقامات امنیتی ایران تحویل و کشته شده اند، بر عهده داشته است».

این تنها بخشی کوچک از تصویر موهن و خونباری است که نشریه «تایم» از ماهیت تروریستی و جنایتکارانه رژیم حاکم بر ایران به دست می دهد. این مقاله افشاگرانه - که علل انتشار آن را نیز باید به طور جداگانه مورد تحلیل و بررسی قرار داد - هرگونه ابهام خوشبینانه را در مورد وجود یک «جناح میانه رو» در حاکمیت که می تواند سرمنشا یک «حرکت انتقالی به سوی دموکراسی» در ایران باشد از میان می برد. اما این مختصر، تمامی نکات مهم مطرح شده در مقاله «تایم» را در بر نمی گیرد. بخش های مهمی از مقاله «تایم» همچنین به عملکرد - و در واقع باید گفت بی عملی - دولت های غربی در قبال این عملیات تروریستی و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی اختصاص دارد که ما آن را در دنباله این مقاله مورد بررسی قرار خواهیم داد.

(ادامه دارد)

تشکر

به مناسبت نوروز باستانی سال ۱۳۷۳ از طرف اعضا، هواداران و دوستان حزب توده ایران پیام ها و نامه های تبریک همراه با آرزوی موفقیت برای حزب در پیکارش به خاطر آزادی و بهروزی مردم میهنمان، دریافت داشته ایم. از همه این رفقا و دوستان صمیمانه تشکر می کنیم و امیدواریم که سال نو سال تحقق آرمان های والای انسانی آنها باشد.

«نامه مردم»

برگزاری موفقیت آمیز ...

در این کنفرانس همچنین نمایندگان سه حزب خارج از قاره آمریکا: حزب کار جمهوری دموکراتیک خلق کره، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) و حزب توده ایران، به عنوان ناظر شرکت داشتند.

کنفرانس سراسری احزاب کمونیستی و کارگری قاره آمریکا، که تحت عنوان «مبارزه ایدئولوژیک در حال حاضر: مردم قاره آمریکا در آستانه قرن بیست و یکم» برگزار شد، در جوی بسیار رفیقانه و آکنده از همبستگی بین المللی، به مدت سه روز، بنیادی ترین مسایل فراروی جنبش کارگری و کمونیستی جهان و قاره آمریکا، از جمله ضرورت دفاع از مارکسیسم - لنینیسم به عنوان جهان بینی علمی و ایدئولوژی طبقه کارگر؛ علل و پیامدهای فروپاشی دولت های سوسیالیستی در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی؛ تغییرات در برآیند نیروهای جهانی در حال حاضر؛ شیوه های مبارزه با تعرضات افسارگسیخته امپریالیسم و دفاع از دموکراسی و استقلال کشورهای جهان در برابر این تعرضات؛ ضرورت استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی - تکنولوژیکی در مبارزه برای رهایی خلق های کشورهای در حال توسعه؛ مبارزه برای آزادی های دموکراتیک در کشورهای استبداد زده؛ مقابله با پیگرد، سرکوب، شکنجه و اعدام کمونیست ها و دیگر نیروهای پیشرو در سراسر جهان؛ و دفاع از حق فعالیت آزاد احزاب کارگری و کمونیستی و همچنین اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری در همه کشورها را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد. کنفرانس همچنین جلسات ویژه ای را به بحث در مورد «توافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی» (NAFTA)، و خیزش اخیر سرخپوستان در ایالت «چیپاس» مکزیک اختصاص داد.

کنفرانس احزاب قاره آمریکا در پایان اجلاس سه روزه خود، یک سند پایانی ۱۴ ماده ای، تحت عنوان «قاره آمریکا در حال مبارزه» را به اتفاق آرا به تصویب رساند. در این سند تاریخی، حقانیت و تداوم اعتبار مارکسیسم - لنینیسم به عنوان جهان بینی علمی و ایدئولوژی هدایت کننده مبارزات طبقه کارگر و احزاب پیشاهنگ آن مورد تاکید قرار گرفته و فروپاشی حاکمیت سوسیالیستی در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی، نتیجه تخلف از اصول و آموزش های علمی این جهان بینی ارزیابی شده است. این سند، پیگرد، سرکوب، شکنجه و اعدام کمونیست ها و دیگر احزاب و سازمانهای کارگری در سراسر جهان را به شدت محکوم کرده و خواستار پایان بخشیدن به این جنایات و استقرار آزادی های دموکراتیک در همه کشورها، از جمله کشورهای خاور میانه شده است. سند مصوب کنفرانس همچنین تشدید فشار دولت های امپریالیستی بر دولت های سوسیالیستی، از جمله کوبا و جمهوری دموکراتیک

خلق کره را محکوم کرده و ضمن اعلام پشتیبانی از این دولت ها، خواستار پایان بخشیدن به این فشارها شده است. (متن کامل این سند مهم تاریخی و دیگر مقالات ارائه شده به کنفرانس، به طور جداگانه در نشریات حزب توده ایران منتشر خواهد شد.)

احزاب شرکت کننده در کنفرانس، همچنین سندی را تحت عنوان «اعلامیه همبستگی با مبارزات مردم ایران» به اعضا رساندند. بین نمایندگان حزب توده ایران و سایر احزاب برادر شرکت کننده در کنفرانس دیدار و تبادل نظر درباره مسایل مورد علاقه آنان انجام گرفت.

حزب توده ایران، ضمن اعلام پشتیبانی خود از اصول مندرج در اسناد مصوب این کنفرانس، همبستگی عمیق بین المللی خود را با احزاب کمونیست و کارگری و مردم تحت ستم قاره آمریکا اعلام می دارد.

متن سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنفرانس سراسری احزاب کمونیست و کارگری قاره آمریکا

رفقای عزیز،

اجازه دهید از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین درودهای رفیقانه خود را به احزاب کمونیست و کارگری قاره آمریکا که در این کنفرانس شرکت دارند، تقدیم کنم. به ویژه مایلم از حزب سوسیالیست مردمی مکزیک، که امکان شرکت در این جلسه تاریخی را برای ما فراهم کرده اند، سپاسگزاری کنم.

همانطور که بخوبی می دانید، یکی از عمده ترین محورهای تعرض ایدئولوژیک امپریالیسم علیه طبقه کارگر و دیگر توده های زحمتکش جهان، تلاش برای فریب آنها در جهت پذیرفتن این تصور است که نه تنها سوسیالیسم در سرزمین لنین و دیگر کشورهای اروپای شرقی «به پایان» رسیده است، بلکه جنبش کمونیستی و کارگری جهان نیز دیگر وجود خارجی ندارد.

نشست تاریخی حاضر مشتکی کوبنده بر دهان اینگونه دروغ پراکنی های مزورانه امپریالیسم است. برگزاری این کنفرانس شاهدهی است بر این واقعیت که نه تنها تاریخ بشر در کالبد سزمایه داری به پایان راه خود نرسیده، بلکه جنبش کمونیستی و کارگری جهان نیز همچنان زنده است و به مبارزه خود ادامه می دهد. این نشست ثابت می کند که برخلاف تبلیغات امپریالیسم، جنبش ما هر روز به سطح عالی تری از همبستگی بین المللی و انسجام سازمانی دست می یابد. از این لحاظ، کنفرانس حاضر را می توان یک نقطه عطف تاریخی در مبارزات ما، و نشانه آغاز یک ضدحمله ایدئولوژیک و سازمانی از سوی احزاب کمونیست و کارگری جهان علیه امپریالیسم به حساب آورد.

با الهام از موضوع اصلی جلسه حاضر، یعنی وضعیت مبارزه ایدئولوژیک در جهان امروز، میل دارم توجه رفقا را به یک جنبه مهم دیگر از تعرض ایدئولوژیک امپریالیسم جلب کنم و آن این بحث است که با فروپاشی حاکمیت سوسیالیستی در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی سابق، مارکسیسم - لنینیسم نیز اعتبار خود را از دست داده است. هدف از کارزار اخیر، گمراه کردن کارگران و دیگر مردم تحت ستم، ایجاد سردرگمی سیاسی و ایدئولوژیک در میان آنها، و در نهایت دور کردن آنها از احزاب انقلابی است که از منافع واقعی آنان دفاع می کنند.

به همین دلیل، امروز، مقابله با این تعرض ایدئولوژیک به یکی از مهم ترین وظایف جنبش کمونیستی بدل شده است. ما باید در مقابله با این کارزار امپریالیسم، بار دیگر نشان دهیم که مارکسیسم - لنینیسم، یک اختراع ساده ساخته و پرداخته یک مشت ذهن «افراطی» نیست، بلکه مجموعه ای زنده از دانش در حال رشد است که از انبوه تئوری های در عمل اثبات شده در مورد جوانب گوناگون زندگی بشر تشکیل شده است - تئوری هایی که تاریخ جامعه بشری، فلسفه، فرهنگ، درک و آگاهی انسان، روند تولید و بازتولید جوهر و حیات انسان در طبیعت و جامعه، مبارزه طبقاتی، استثمار و از خود بیگانگی، مبانی اقتصاد سیاسی، سرمایه داری، امپریالیسم، سوسیالیسم، کمونیسم و... را توضیح می دهند و هر یک جزئی از این مجموعه رنگارنگ زنده و علمی هستند. ما باید بتوانیم به جهانیان نشان دهیم که این مجموعه، یعنی مارکسیسم - لنینیسم، یک جهان بینی علمی است که بر بنیاد دستاوردهای سده ها رشد جامعه بشری شکل گرفته و به عنوان یک مجموعه زنده و علمی، با هر تجربه تازه جامعه بشری رشد می کند و تکامل می یابد.

امپریالیسم می کوشد به توده های تحت ستم بقبولاند که شکست تجربه ساختمان سوسیالیسم در برخی کشورها، تمامی این مجموعه عظیم علمی را بی اعتبار ساخته است. ولی ما خوب می دانیم که این یک دروغ بزرگ بیش نیست. علی رغم همه سروصداها، هنوز هیچکس نتوانسته است بی اعتباری فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی را اثبات کند یا تئوری های مارکس و انگلس درباره ارزش اضافی، استثمار و از خود بیگانگی، انباشت و رشد سرمایه، قانونمندی های عام رشد شیوه تولید سرمایه داری و بسیار تئوری های مهم دیگر را «مردود» بشناسد. تاکنون هیچ کس قادر نبوده است که «بی اعتباری» اصول بنیادین آموزش های لنینی درباره سرمایه انحصاری و امپریالیسم - که اتفاقاً به نظر می رسد در هیچ زمانی به اندازه امروز به واقعیت عینی نزدیک نبوده اند - را به اثبات برساند.

برگزاری موفقیت آمیز ...

این حقیقت دارد که فروپاشی نظام سوسیالیستی در برخی کشورها، بازبینی انتقادی آن بخش از تئوری های مارکسیسم - لنینیسم را که به روند ساختمان سوسیالیسم و مراحل گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم مربوط می شوند، ضرور ساخته است. اما، با وجود همه اهمیتی که این مسایل برای تعیین مسیر مبارزات آینده ما در جهت ساختمان جامعه نوین دارند، و علی رغم ضرورت این گونه بازبینی ها برای جلوگیری از تکرار این اشتباهات در آینده، هرگز نباید اجازه دهیم که این کار، ما را از پرداختن به وظیفه عاجل دفاع از کارگران و زحمتکشان جهان در مقابل تعرضات عنان گسیخته و وحشیانه امپریالیسم، که

امروز در پیش چشم ما جریان دارد، بازدارد. همه ما، چه رفقای که از کشورهای صنعتی پیشرفته مثل آمریکا و کانادا آمده اند، و چه بقیه ما که به کشورهای درحال رشد تعلق داریم، هنوز در مرحله مبارزه برای رهایی زحمتکشان و میهن خود از سلطه سرکوبگرانه امپریالیسم و سرمایه انحصاری بین المللی قرار داریم. و تا آنجا که دانش ما اجازه می دهد، می توانیم بگویم که هیچ یک از آموزش ها و تئوری های مارکسیسم - لنینیسم که به این عرصه مشخص از مبارزه ما مربوط می شوند، در اثر سقوط دولت های سوسیالیستی در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی به زیر سؤال نرفته اند.

در حقیقت این امپریالیسم است که بیش از هر نیروی دیگر، آرزو دارد ما را به طور کامل غرق در بحث های بی انتها درباره «علت اصلی» فروپاشی دولت های سوسیالیستی ببیند، تا بدین طریق مبارزات عاجل طبقات تحت ستم جهان را برای آزادی و علیه امپریالیسم به فراموشی بسپاریم. دشمن طبقاتی از ما می طلبد که بجای درگیر شدن

در مبارزه روزمره اکثریت قاطع مردم جهان علیه استثمار، سرکوب، عقب ماندگی، بیماری، گرسنگی و فقر، نیروی خود را صرف یافتن «توضیح» برای تک تک کمبودهای نظام های سوسیالیستی موجود در طول هفتاد سال گذشته بکنیم. کاری که امروز نه اطلاعات کافی و نه ابزارهای لازم برای انجام آن هنوز در دست نیست. به همین دلیل لازم است که ما امروز بیش از هر زمان دیگر، کوشش خود را روی ایجاد مفاهیم تئوریک و علمی و شیوه های سازماندهی لازم برای دستیابی به درک و تحلیل صحیح از وضعیت موجود در جهان و تعیین خط مشی مبارزه مشترک علیه موج تازه تعرضات امپریالیسم متمرکز کنیم.

فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم اثرات منفی

مهمی بر تعادل نیروها در سطح جهان باقی گذاشته است. طبقه کارگر و ملت های تحت ستم اکنون مهمترین و قوی ترین پشتیبانان خود را در سطح جهان از دست داده اند. امروز، امپریالیسم بدون هیچ دغدغه ای همه جهان را از نظر اقتصادی و نظامی به توبره کشیده است. در نتیجه انسان های بسیاری، از جمله بخش قابل توجهی از طبقه کارگر و حتی کمونیست ها، امید خود را به دستیابی به یک جهان بهتر برای اکثریت قاطع بشریت از دست داده اند.

جبران این عقبگردها و یأس های ناشی از آنها، نیازمند کوشش متحد همه ما در مقابله با کارزار تبلیغاتی امپریالیسم درباره «پایان تاریخ» و «پایان ایدئولوژی» است. به نظر ما برگزاری یک گردهمایی بین المللی با شرکت احزاب و سازمانهای کمونیستی و کارگری جهان می تواند گام مهمی در این مسیر باشد. ما نیاز داریم که وضعیت کنونی جهان را به بحث و ارزیابی جمعی بگذاریم و خط مشی مبارزاتی مشترکی را برای جبران عقبگردهای تاریخی اخیر و گشودن راه پیشرفت مبارزات آینده طرح ریزی کنیم. در این چارچوب، کنفرانس سراسری احزاب کمونیست و کارگری قاره آمریکا گام عظیمی در جهت دستیابی به این هدف به شمار می آید. ما خشنودیم از این که در یک چنین نشست مهم تاریخی شرکت داریم.

اجازه دهید بار دیگر به نمایندگی از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران، همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزات طبقه کارگر و مردم قاره آمریکا علیه امپریالیسم و برای آزادی و دموکراسی، استقلال، عدالت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم اعلام کنم.

زنده باد همبستگی
جهانی کارگران همه
کشورها!
زنده باد آزادی و
سوسیالیسم!

اعلامیه همبستگی با مبارزات مردم ایران

ما، احزاب و سازمان های امضا کننده این اعلامیه، که در کنفرانس سراسری احزاب کمونیست و کارگری قاره آمریکا شرکت داریم، رزمجویانه ترین همبستگی های خود را با مبارزات مردم ایران برای دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی اعلام می کنیم. ما، همصدا یا همه نیروهای مترقی جهان، پایمال شدن حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران را که در حبس، شکنجه و قتل هزاران زندانی سیاسی تبلور یافته است، محکوم می کنیم.

ما کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و دیگر سازمان های مدافع حقوق بشر را فرا می خوانیم تا از طریق اعمال فشار، جمهوری اسلامی ایران را وادار کنند تا به کارزار سیستماتیک بپردازد، توقیف، شکنجه و اعدام مخالفان سیاسی خود پایان دهد. ما اطمینان داریم که مبارزات مردم ایران و نیروهای پیشرو آنها برای استقرار دموکراسی و آزادی های واقعی در ایران به پیروزی خواهد رسید. در این دوران حساس، که هر روز تعداد بیشتری از مردم به صف مبارزه برای دموکراسی می پیوندند، ما از همه نیروهای مترقی می خواهیم که بر شدت کارزار همبستگی خود با مبارزات قهرمانانه مردم ایران بیافزایند.

- * جرج مایرز، عضو هیئت اجرایی و مسئول شعبه کارگری حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا
- * میکال فیکوئرا، سخنگوی حزب کمونیست کانادا
- * ژینت کاتیه، رهبر (مسئول هماهنگی) حزب کمونیست کیک (کانادا)
- * کلادیس مارین، دبیرکل حزب کمونیست شیلی
- * ایندالیسو سایاکو هررا، دبیرکل حزب سوسیالیست مردمی مکزیک
- * ریکویرتو پادیا، دبیرکل حزب کمونیست هندوراس
- * اومبرتو وارکاس، دبیرکل حزب پیشاهنگ مردمی کستاریکا
- * ناریسو ایسا گند، دبیرکل حزب کمونیست جمهوری دومینیکن و مسئول هماهنگی «اتحاد انقلابی کمونیست های جمهوری دومینیکن»
- * آلهندرو انسیتوس فرناندز، نماینده شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست پرو
- * آمپارو تورز، نماینده شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست کلمبیا
- * ماریو لئون کالارکا، مسئول شعبه روابط بین المللی نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا، ارتش خلق
- * ارنستو کاتوپانو و آنتونیو لویز، نمایندگان حزب کار کواتالا
- * سیترام یچوری، مسئول شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
- * توك كورین، نماینده حزب کار و سفیر جمهوری دموکراتیک خلق کره در مکزیک
- * آزاد، نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 10566 Berlin , Germany

NO ; 424

March 29 , 1994

نامهء

مردم